

یک پشتوانه خوب

«به نظر می‌رسد این یک راهکار خوب است الان که بحث حجاب قانونی مطرح شده است. برخی از افرادی کمی رعایت می‌کنند و دیگر به مراجمینی که محجبه هستند احترام می‌گذارند. من بارهایی احترامی مغازه دارها را تجربه کردم. حالا حداقل روی شیشه‌های مغازه‌ها نوشته‌اند: از پذیرش افرادی حجاب معذوریم! البته که رعایت نمی‌کنند. من با این لایحه و هر لایحه قانونی دیگری که مانع ضایع شدن حق زنان محجبه می‌شود موافقم.» این‌ها نظرات زهرا حسین زاده، دانشجوی دانشگاه آزاد، است که از شرایط جامعه گله دارد و فکر می‌کند بهترین راه کار همین برخورد های قانونی است.

در اجرا دقت کنند

«ما با قانون مشکلی نداریم ولی بگذارند خود دستگاه های مسئول برخورد کنند. هر کسی وارد عرصه اجرا نشود که در دسر های دیگر و بحث های خیابانی ایجاد شود. من به عنوان یک خانم چادری خیلی وقت ها سعی کرده ام دختران جوان را راهنمایی کنم ولی هیچ وقت به خودم اجازه نداده ام به آن ها توهین یا بد رفتاری کنم. الان که بحث لایحه شده است، زیاد دیده ام که با تذکر زبانی، خانم های محجبه با خانم های بی حجاب درگیر می‌شوند. این اصلا خوب نیست و ظاهری بد از جامعه را نمایان خواهد کرد. حتما مسئولان به این نتیجه رسیده اند که باید قانون وضع کنند ولی در اجرا هم مراقب باشند که بعضی ها افرات نکنند.» این حرف ها را هم خانم قربان نژاد که معلم دبیرستان است می‌گوید. او سال هاست که با دختران نوجوان در ارتباط است و فکر می‌کند باید در عمل اثر گذار بود، نه در کلام خشک و خالی!

لج بازی کردیم

دوست ندارند اسم هایشان را بنویسم. دو دوست هم دانشگاهی هستند. دم در دانشگاه مقنعه ها را پایین کشیده و دور گردن انداخته اند. انگار آماده اند که اگر لازم شد سریع بالا بکشند. دختر اولی که جوان تر به نظر می‌رسد می‌گوید: من قصد مهاجرت دارم. فقط خدا کند در این قانون برای بی حجاب ها منع خروج نگذارند. از بس اجبار کرده اند، ما هم لج بازی کرده ایم. دوستش که انگار کمی از او بزرگ تر است می‌گوید: من قبلا چادری بودم. از وقتی با این رفیقم راه می‌روم مانتویی شده ام. چند بار هم گفت بیا مثل بقیه باشیم تا فکر نکنند بی کلاس هستیم. برای همین، من هم چادرم را در آوردم. وقتی چادر داری، حتی فروشنده باجه روزنامه هم محلت نمی‌دهد ولی وقتی این شکلی هستی چشمی نیست که نگاهت نکنند. همه هم کلی احترام می‌گذارند. اصلا این قانونی که می‌گذارند جریمه ای هم برای این ها دارد؟

احترام می‌گذارم

بین سوژه ها به خانمی سن و سال دار برمی‌خورم. ایرانی نیست. او پزشک است و اهل کانادا است. پوششی کامل دارد. به خوبی فارسی صحبت می‌کند و هر چند در رفت و آمد است، سال هاست همراه همسر ایرانی خود که او هم پزشک است ایران زندگی می‌کند. با او «من هر وقت ایران می‌آیم پوشش مرا رعایت می‌کنم. حتی در خانواده شوهرم هم رعایت می‌کنم چون اعتقاد دارم باید به قانون هر کشوری احترام گذاشت. وقتی این کشور را برای زندگی انتخاب کرده ام، باید به قوانین آن هم احترام بگذارم. من فکر می‌کنم مشکل قوانین از آنجاست که با آن سلیقه ای برخورد شده است. خیلی از افراد قوانین را رعایت نمی‌کنند و از آن فرار می‌کنند. قانون باید برای همه یکی و برابر باشد. شاید همین رفتار های سلیقه ای باعث خیلی از اتفاقات شده است. الان هم اگر قانونی وضع شود، باز هم با توجه به همان قانون گریزی ای که گفتیم، بعید می‌دانم اجرای خوبی داشته باشد.»